

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دھيم
از آن به که کشور به دشمن دھيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پېشواز

استاد محمد نسيم "اسير"
يازدهم نومبر 2012

به ياد مادر!!!

آن دم که در آشيانه دهر
از من اثيری نبود و جایی
واندم که به زادگاه هستی
آهی نبد از من و ندایی
وان روز که غير قطره آب
دست و سر من نبود و پائی
در صفحه روزگار بر من
کس هيچ نداشت اعتنائی
در دفتر کهنه کار ایام
نامی نبد از من و نـوائی

ناگاه ز برق عشق سرشار

از من اثيری بشد پديدار

یک قطره آب بودم و بس
در دامن مادر، آرمیده
بعد از گذر زمانه ای چند
شد در تن من نفس دمیده
با حالت ناتوان و محزون
افتاده به گوشه ای خزیده
نه ماه به یک جهان تکلیف
گه گشته خموش و گه تپیده
گه خون دلش چشیده چون شیر
گه شیر ز سینه اش مکیده
هم کاسته از توان و تابش
هم خواب ر بوده اش ز دیده

از کتم عدم وجود گشتم

وز کنج نبود، بود گشتم

در دهر سپنج واژگونه از مادر خویش تا بـزادم
 با یک تن ناتوان و رنجور چون بار به دوش او، فتادم
 دل بود که من ز وی ربودم غم بود که من به وی بدادم
 بس روز و شبان که من به مادر جز رنج و الم، دگر ندادم
 یک روز نگشتت مام شیرین رنجیده ز شور و آه و دادم
 یک بار نکرد خاطر خود آزرده ز خُلق کجندادم

شبهها به من خراب سامان

مژگان ننهاده، روی مژگان

بس خواب بخود حرام بنمود تا گشت حلال زندگانی
 بس تلخ چشید و رنجها بُرد تا کـرد بمن شکرشانی
 بس شام نخفت و روزها نیز بنشست به من چو یار جانی
 بس بوسه که زد به چهره من با عالم لطف و مهربانی
 تا ساخت مرا چنین توانا بسیار کشید ناتوانی
 از بهر سرور و عشرت من بگذشت ز عیش و کامرانی
 شبهها به نگاهداری من تا صبح نمود پاسبانی
 یک حرف نگفت غیر اندرز یک لفظ نسفت جز معانی
 اندوخته ام ز دامن او این تحفه و گنج شایگانی

چون دُرّ گـرانبهاست مادر

کافـر نشوم، خداست مادر

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، 5 حمل 1333 ش)